



# بازنویسی

چگونه ایده‌های خود را  
به نوشتار مطلوب تبدیل کنیم؟

حسین حسینی نژاد / تصویرساز: سید میثم موسوی



در شماره قبل به ایده‌یابی اشاره کردیم و نوشتیم ایده‌ها در اطراف ما و درون تجربه‌های ما وجود دارند. کافی است به آن‌ها توجه کنیم و یکی را برای نوشتن انتخاب کنیم. این نکته را موریل لیلکر این‌گونه می‌نویسد: «موضوع و مطلب در اطراف شماست. زندگی روزمره‌تان سرشار از ایده است. زیاد به ذهن خود فشار نیاورید. به دنبال حوادث برجسته گذشته نگردید. اتفاقاتی که در اطراف شما رخ می‌دهند، برای اشخاص دیگر جالب‌اند. آزمایش کنید. مثلاً امروز چه چیزی باعث نارضایتی و دلخوری شما شده است؟ این‌ها را بنویسید. خواننده مطالب خود را پیدا خواهد کرد. شک نداشته باشید. کم‌کم ببینید خوانندگان به چه نوع مطالبی احساس نزدیکی بیشتر می‌کنند. به آن‌ها بپردازید.»

نویسنده خود منتقدی می‌شود که گویا دارد متن فرد غریبه‌ای را می‌خواند و به او گفته‌اند تلاش کن هر چه بیشتر معایب نوشته را بیایی.

تسا می‌توانید با نوشته‌تان ور بروید. با آن بازی کنید و کلمات را جابه‌جا کنید، ببینید چه می‌شود! حذف کنید. اضافه کنید. نگران نباشید چه خواهد شد. شما همیشه فرصت دارید به متن قبلی خود برگردید. اما اجازه دهید ببینید با ور رفتن با متن، چه اتفاق جدیدی می‌افتد! مثل خیاط‌ها وصله‌کاری کنید. بعداً فرصت دارید کاری کنید که وصله‌ها خود را نشان ندهند. هرگز در ارائه متن تعجیل نکنید. تعجیل مانع خلاقیت و ابتکار شما می‌شود. همه راه‌ها را می‌بندد. فراموش نکنید که بازنویسی، در نهایت به کوتاه یا افزوده‌شدن متن می‌انجامد.

در بازنویسی، ابتدا زیر قسمت‌های

آن است که یافته‌ها و تجربه‌های خود را، بی‌توجه به قواعد درست‌نویسی، بر صفحه جاری کنید. پکی پشت دیگری جمله‌ها را بنشانید. بعداً فرصت دارید جای جمله‌ها را عوض کنید.

در این شماره به موضوع بازنویسی می‌پردازیم. به قول «تو کروزه»، نوشتن یعنی بازنویسی و منظور از بازنویسی یعنی سازمان‌دهی جدید، حذف، اضافه، و تقسیم مطالب در طول نوشته.

فراموش نکنیم بازنگری، که به بازنویسی متن اولیه منجر می‌شود، اهمیت زیادی دارد. این مرحله جایی است که متن ورز می‌آید، شکل می‌گیرد و کم‌کم آماده انتشار می‌شود. اگر نویسنده در مرحله تهیه پیش‌نویس، با سرعت و بدون دخالت مغز شروع به نوشتن می‌کند، اینجا عقل رشته کار را در دست می‌گیرد و بدون عجله متن را کالبدشکافی می‌کند.

به زندگی خودتان فکر کنید و از آن ایده بگیرید. به‌طور مثال، آیا با تتمه حسابی که دارید، احساس آرامش می‌کنید یا نمی‌کنید؟ یا هنگامی که پیانو زدن کودک همسایه را می‌شنوید، چرا از پیانو زدن خودتان احساس خجالت می‌کنید؟ آن‌ها را بنویسید. با نوشتن آن‌ها، نه تنها عقده دل را خالی می‌کنید، بلکه افرادی را هم که مانند شما فکر می‌کنند، خوشحال خواهید کرد. اگر برای این مشکلات راه‌حل هم داشته باشید که دیگر عالی است. (رهبر، ۱۳۹۶: ۹۱)

مرحله پیش از نوشتن و پیش‌نویس را هم شرح دادیم و گفتیم، هر اندازه وقت صرف پیش از نوشتن شود، متن ما محکم‌تر و مستدل‌تر می‌شود. همچنین، یادآور شدیم، در موقع تهیه پیش‌نویس به این ببیند پیشید که فعلاً کارتان نهایی نیست. بعداً کامل خواهد شد. اکنون وقت

ابهام‌دار خط بکشید. بعد ببینید چگونه باید آن را گسترش دهید تا خواننده از ابهام بیرون بیاید. همین‌طور، زیر قسمت‌هایی را که زیاده از حد توضیح داده‌اید، خط بکشید. تلاش کنید تا حد ممکن آن‌ها را کوتاه کنید.

مرور و بازبینی هر کاری خسته‌کننده است، چون از مرحله‌ی خلاقه گذشته‌ایم و آنچه را مورد نظر بوده، عرضه کرده‌ایم. بنابراین، مرور آن عملی تکراری و کسل‌کننده است. در حالی که از قدیم گفته‌اند، کار را که کرد، آنکه تمام کرد. بازبینی کاری که انجام داده‌ایم، بخش مهمی از کارمان است. نمی‌توان آن را از سر باز کرد. مطمئن باشیم هیچ‌کس به اندازه‌ی ما دلش برای کاری که انجام داده‌ایم نمی‌سوزد. با پذیرش این موضوع، آن را به بازی و کاری لذت‌بخش تبدیل کنید. زیرا در این مرحله حاصل زحمات شبانه‌روزی‌تان بررسی می‌شود (رهبر ۱۳۹۶) به نقل از بابارا تراپیدو، (۴۳).

«دوباره خوانی به‌طور کلی نویسنده را در جایی قرار می‌دهد که باید از آنجا آغاز کند. به عبارت دیگر، به جای درست داستان راهنمایی می‌کند. آخر جوهر کلمات یا جوهر مطلب در جایی است که باید به دستش آورد. مثلاً من آخرین صفحه‌ی «وداع با اسلحه» را سی‌ونه بار بازنویسی کردم» (میرصادقی ۱۳۸۸) به نقل از همینگوی، (ص ۱۲۷).

**لئو تولستوی** گفته‌است: نوشته مثل خاک طلاست. هر چه بیشتر شسته شود، درخشش طلا بیشتر آشکار می‌شود (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

### توجه به کاربرد کلمه‌ها و جمله‌ها

چون قرار بر این بود که در موقع نوشتن ویرایش نکنیم و این کار را به زمان بازنگری موکول کنیم، در پیش‌نویس اولیه، به هر ترتیب که خواستیم بنویسیم. اما موقع بازنویسی و بازنگری متن، به کلمه‌ها و جمله‌ها دقت کنیم. اگر در پیش‌نویس دوست داشتیم شکسته و عامیانه بنویسیم، در بازنگری آن‌ها را بیابیم و برطرف کنیم. سعی کنیم جمله‌هایمان کوتاه باشد. کمتر زیر بار جمله‌های مرکب و چندقسمتی برویم. جمله‌های طولانی، هم خواننده را خسته می‌کنند و هم معنی و مفهوم در لابه‌لای عبارات گم می‌شود. فراموش

نکنیم، کوتاه نوشتن ساده‌تر از بلند نوشتن است. یادمان باشد، در هر جمله فقط یک مفهوم را منتقل کنیم. وظیفه‌ی جمله‌های بعدی، حمل مفهوم‌های جدید است. فهرست زیر کمک می‌کند بازنگری ما دقیق‌تر صورت گیرد. شاید در اول سخت بنماید، اما به‌مرور برایمان ساده می‌شود. می‌توان حتی در هر بازنویسی بخشی از این موارد را در متن جست‌وجو کرد تا کار سخت جلوه نکند:

- نوشته انسجام درستی دارد؟
- در کجا این انسجام به‌هم‌ریخته است؟
- آیا متن چیز اضافه‌ای دارد؟
- آیا متن چیزی کم دارد؟
- آیا اگر مثالی اضافه کنم، مطلب روان‌تر می‌شود؟
- آیا واژه‌ها مناسب هستند؟
- آیا واژه‌ها تکراری‌اند؟ کدام واژه؟
- واژه‌ها دقیق‌اند یا مبهم؟
- واژه‌ها در جای خود استفاده شده‌اند؟
- ترکیبات تازه‌اند یا تکراری؟
- جمله‌ها پیوستگی دارند؟
- جمله‌ها کوتاه‌اند یا بلند؟
- کدام جمله زائد است؟
- در نوشته‌ام قضاوت وجود دارد یا بی‌طرفانه نوشته‌ام؟
- موضوع نوشته را خوب نشان داده‌ام؟
- آیا شعاری نوشته‌ام؟
- چگونه شعارها را رفع کنم؟
- نوشته‌ام بیشتر ذهنی است یا عینی؟
- آیا باید تغییری در این دو ایجاد کنم؟
- مقدمه متن مرتبط است؟
- شروع نوشته غافلگیرکننده است؟
- شروع نوشته مخاطب را پای متن نگه می‌دارد؟

- پایان متن مناسب است؟
- بدنه به اندازه پرورده شده است؟
- چه تکیه کلام‌هایی در متن دارم؟
- چگونه آن‌ها را برطرف کنم؟
- اطلاعات در سراسر متن پخش هستند؟
- اطلاعات بیشتر در بخش اول متن آمده‌اند یا در بخش دوم؟
- آیا نوشته‌ام خواننده را متقاعد می‌کند؟
- آیا روشن است از خواننده چه انتظاری دارم؟
- کجای متن ابهام دارد؟
- چگونه می‌توان آن‌ها را رفع کرد؟
- کلمات عامیانه در متن وجود دارند؟

- کلمات قدیمی در متن هستند؟
- لغات و عبارات غیرضروری در متن دیده می‌شوند؟
- آیا نوشته روی موضوع اصلی متمرکز است؟
- آیا بندها به هم مرتبط هستند؟
- آیا جمله‌های بند در ارتباط هم هستند؟
- جمله‌های نوشته‌ام معلوم‌اند یا مجهول؟
- آیا بندها کوتاه هستند؟

اکنون نوبت به بازنویسی می‌رسد. همیشه به این ببینیدشید که متن را برای باسوادترین فرد و نکته‌بین‌ترین نشان بازنگری می‌کنید. سعی کنید همه‌ی مواردی را که فکر می‌کنید اشکال هستند، رفع کنید. هیچ عجله‌ای برای انتشار متن، قبل از بازنگری، نداشته باشید. حتی وجود یک کلمه‌ی اضافه و نامناسب، قضاوت درباره‌ی متن را تحت شعاع قرار می‌دهد. بازخورد خوب به نوشته‌ی ما موجب بیشتر و بهتر نوشتن ما می‌شود و برعکس، گاهی یک ایراد نوشتن ما را به عقب می‌اندازد. بنابراین بکوشیم بازخوردهای خوب بگیریم.

در هنر عکاسی، از قدیم نکته‌های خردمندانه حاکم بوده‌است؛ عکس خوب از این طریق به‌دست می‌آید که عکس‌های بد را دور بریزیم. به این ترتیب، عکس‌های زیادی می‌گیریم و فقط موارد خوب و موفق را نگه می‌داریم. اما درباره‌ی نوشتن این‌طور نیست. فرمول نوشتن این است: متون خوب از این طریق به‌دست می‌آید که متون بد را بازنویسی کنیم. اگر یک واقعیت درباره‌ی متن وجود داشته باشد، این است که با یک بار بازنویسی، متن به شکلی باورنکردنی کامل می‌شود. به این ترتیب، همه‌ی متون نیازمند بازنویسی و پرداخت‌اند. این بسیار طبیعی است. استثناهای آن هم این است: هیچ متنی بی‌نیاز از بازنویسی نیست. به قول دونالد ام مورای: «بازنویسی را مغتنم شمارید و آن را آگاهانه انجام دهید، چون این کار شانسی به نویسنده می‌دهد که از عکاس دریغ شده است.» (اتوکروزه، ۱۳۹۵: ۲۶۲).

#### منابع

۱. اتوکروزه. فن و هنر داستان‌نویسی. برگردان پیمان کی فرخی. اختران. ۱۳۹۵.
۲. کاظم رهبر. چگونه می‌نویسم. کتاب خورشید. ۱۳۹۶.
۳. جمال میرصادقی. عرق‌ریزان روح. نیلوفر. ۱۳۸۸.